

# تابناک یاد خاطره شهیدان حزب و جنبش

## ۵۱ توده‌ای دیگر

### شهید شدند

اسامی پنجاه و یک نفر دیگر از رفقای توده‌ای که در جریان کشتار جمعی زندانیان سیاسی به شهادت رسیده‌اند به دفتر "نامه" مردم رسیده است. نام‌های این بخون خفتگان در لوح شهیدان توده‌ای (در همین شماره "نامه" مردم، صفحات ۳۴ و ۳۵) با ستاره مشخص شده است.

### فراخوان

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران:

## چهار حزب دیگر

### "بیانیه" را امضاء کردند

احزاب زیر امضای خود را به "بیانیه" احزاب کمونیستی و کارگری درباره "فاجعه" ملی اعدام زندانیان سیاسی ایران ("نامه" مردم، شماره ۲۴۰) افزودند:

- \* حزب کمونیست اتریش
- \* حزب کمونیست اسپانیا
- \* حزب چپ کمونیستهای سوئد
- \* حزب کمونیست مالت

# نامه مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۴۴ دوره هشتم سال پنجم  
شنبه ۱۱/۱۱/۱۳۶۷ بهای ۲۰۰ ریال

به مناسبت روز شهیدان حزب و جنبش

## از بلندای پنج دهه خونین

برای نجات جان زنان زندانی سیاسی

### در ایران شتاب کنید!

از سیامجاه‌های رژیم جمهوری اسلامی اخبار هراس‌انگیزی بدست ما می‌رسد. کارگزاران رژیم "ولایت فقیه" برای درهم شکستن مقاومت حماسی زندانیان سیاسی، بویژه زنان زندانی سیاسی، از هیچ‌گونه وحشیگری خودداری نمی‌کنند. براساس زندانبانان رژیم قصد دارند زندان‌های مخوف خود را برای بازدید میثت‌های بین‌المللی آماده کنند. آنان از "عفو عمومی" به مناسبت سالگرد انقلاب بهمن دم می‌زنند و به همین منظور دست به آنچه "خانه تکانی" وحشیانه‌ای زده‌اند که روی جنایتکاران نازیم هیتلری را سفید کرده‌اند. بقیه در ص ۸

### تدوین تاریخ

### یا تحریف تاریخ

شاه که با دلارهای "سیا" تاج و تخت خویش را احیا کرده بود، پس از آنکه اندکی از سرکوب مردم "فراغت" یافت، برای فریب نسل جوان کشور به سودای تدوین تاریخ افتاد. دوره "پانزده سال آخر سلطنت وی از این نظر بویژه از دیگر ادوار متمایز است. انبوه کثیری از "تاریخ نویسان" مزدور به کار گرفته شدند، تا تاریخ ایران زمین و به‌خصوص دوران سلسله منجوس پهلوی را، نه آنگونه که بود، بلکه به گونه‌ای که به مذاق "اعلیحضرت هماهونی" خوش آید، ترسیم کنند.

آنان می‌بایست به جوانان تلقین می‌کردند که تاریخ ایران عبارت است از تاریخ وحدت بقیه در ص ۲

ساخته‌اند. در این میان، حزب توده‌ای مادر زمره "نیروهای" است که بیشترین قربانیان را داده است. این واقعیتی است، که دوست و دشمن آن را تأیید می‌کنند. در سررہبچی از تاریخ، گروهی از بهترین و کارآمدترین چهره‌های حزب ما جان باخته‌اند. چهره‌هایی که نه ماهیان خرده، که شاه ماهیان، و نه سربازان ساده که فرماندهان جنبش بوده‌اند. چهره‌هایی که هر کدام چکیده "یک نسل و چند دهه مبارزه" بوده‌اند. اگر امروز نام این قهرمانان آبدیده بر در و دیوار سلولهای سره و مرطوب شکنجه‌گاهها آذین شده است، فردا نامشان بر پرچمهای برافراشته "خلق خواهد نشست و آوازه" پایمردیها و فداکاریها و انسان دوستی‌شان نقل هر مجلسی خواهد شد.

حزب ما و جنبش انقلابی میهن ما، که روزگاری دهها هزار تن از فرزندان خود را در نهضت آذربایجان از دست دادند و در سی تیر خیابانها را از خون خود رنگین ساختند و پس از کودتای سپاه و شاه - آمریکایی ۲۸ مرداد در برابر جوخه‌های تهرباران قرار گرفتند و از میان خود مرواریدهای درشتی چون روزبه‌ها، وارطان‌ها و سیامک‌ها را بیرون دادند، این بار، در سخت‌ترین و پیچیده‌ترین شرایط سیاسی - اجتماعی کشور باز هم قربانی خبیانت مرتجع‌ترین نیروهای حاکم بر کشور می‌شوند. اگر روزگاری شاه به فرمان و تحت حمایت اربابان آمریکایی خود زندانها را از کمونیستها انباشت و هر از گاهی گروهی از آنان را پیش پای انحصارهای امپریالیستی سر برید، امروز خمینی و پیروان او هم‌زمان و ادامه دهندگان راه آنان را بر سر تحق خواستهای ضدبشری خود به رکبار گلوله می‌بندند و باحلق آویز می‌کنند.

در هیچ دوره‌ای از تاریخ معاصر میهن ما، نیروی به سببیت و درنده‌خوئی خمینی و همراهان بقیه در ص ۲

به ارانی بزرگ، آموزگار و پیشاهنگ ما، سلام!

ما کمونیستها، ادامه دهندگان راه خونین تو، راه پیروزی و بهروزی خلق، از بلندای پنج دهه خونین، تو را آوازی می‌دهیم، پرشکوه‌ترین دروهمان را نثار می‌کنیم و دیگر بار با تو پیمان می‌بندیم که تا آخرین نفس و تا آخرین قطره خون در راه آرمانهای انقلابی و انسانی زحمتکش میهنمان

بجنگیم و پیشاپیش آنان پرچم مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع را برافراشته داریم.

جنبش کمونیستی ایران ۱۴ بهمن، چهل و نهمین سالروز شهادت زنده‌یاد دکتر تقی ارانی، آموزگار و پیشاهنگ پرولتاریای میهن ما، را گرامی می‌دارد.

حزب توده ایران از دیرباز سالروز شهادت دکتر ارانی را روز شهیدان حزب و جنبش نامگذاری کرده است. از آن روز، که ارانی و پیش از پنجاه تن از هم‌زمانش به چنگ دژخیمان رضاخانی گرفتار آمدند و زیر شکنجه رفتند، از آن روز، که آموزگار بزرگ ما جان بر سر پیمان انسانی و انقلابی خود نهاد، تا امروز که نزدیک به پنج دهه از شهادت وی سپری شده است، دهها هزار تن از بهترین و فداکارترین فرزندان میهن ما، متشکل در سازمانهای انقلابی، راه دشوار تاریخ را با خون خود گلگون

# خطر مرگ زندگی زندانیان سیاسی زن را تهدید می‌کند! برای نجات آنان شتاب کنید!

## از بلندای \* \* \*

جنایتکارش با نیروهای مرفقی و انقلابی کشور برخوردارهایی تا این حد وحشیانه و دمدنشانند داشته و افکار عمومی جهان را علیه خود برنیتانگیخته است. این در شرایطی است که هنوز همه ابعاد جنایات رژیم روشن نیست و بقول سازمان "عفو بین المللی" تنها قله کوه یخ سر از آب بیرون آورده است. در ماههای اخیر، هر روز و هر هفته منادیان جنایت و آدمکشی در زندانهای ج. ا. در خانه‌هایی راه‌به‌راه در می‌آورند و با زنان و مردان رنج کشیده و ستم‌دیده ای را فرامی‌خوانند تا لباسهای خون‌آلود عزیزانشان را به آنان بپسارند. هیچ خانواده‌ای اطمینان ندارد که عزیز در بندش را سرانجام باز خواهد یافت. دیده‌ایم و می‌بینیم، آن زندانیانی که حتی دوره محکومیت خود را به پایان رسانده بودند نیز از دست دژخیمان رژیم جان سالم بدر نبرده‌اند. این جنایات تا کی باید ادامه یابد؟ این جنایان ستمکار تا کی باید سپیده‌دمان را از خون توده‌ای و فدائی و مجاهد، از خون کمونیست و مسلمان، رنگین سازند؟ چه کسانی باید به این برشها که بر زبان میلیونها هموطن ما جاری است پاسخ گویند؟

امروزه همه نیروهای مرفقی و انقلابی در نشریات ارگان و اعلامیه‌های خود بر ضرورت اتحاد در راه دستیابی به آزادیهای دموکراتیک و بویژه نجات جان بقیه زندانیان سیاسی کشور تاکید

## تدوین تاریخ یا \* \* \*

همیشگی شاه و ملت! گویا شاهدهستی اساساً از خصائل ذاتی و ملی ایرانیان بوده است و آنان به نوعی زاده شده‌اند، که بدون شاه نمی‌توانند زندگی کنند. مبارزات مردم آزاده ایران بر علیه اشغالگران خارجی و مستبدین داخلی فراموش می‌شد تا پادشاهان خونخوار به عنوان مظاهر "عدل و داد" معرفی شوند. تالان این نابکاران بویژه درباره تاریخ معاصر ایران هولناک بود. اگر رضاخان قلدردشت قزویب از ژنرال‌های انگلیسی دستور کودتا گرفته بود - که گرفته بود - تاریخ نویسان مزدور مدعی می‌شدند که گویا در شب مذکور، رضاخان در اثر تالیقات عالم غیب به ناگهان به اندیشه نجات ایران افتاده است. اگر رضاخان مردی قلدرد، زورگو و نادان بود - که بود - آنان او را "پدر ایران نوین" و مظهر نبوغ ایرانی معرفی می‌کردند. اگر مردم ایران بجز از محمدرضا شاه عنصر وابسته به امپریالیسم و کارتل‌های نفتی نداشتند - که داشتند - او را "آریامهر" می‌نامیدند و ...

هماموشی که این روزها در ایران بر سر تدوین "تاریخ انقلاب اسلامی" بر اه افتاده، یادآور همان تاریخ نویسی "آریامهری" است. نسل جوان کشور ما که اینک تحت خفقان رژیم "ولایت فقیه" پا به زندگی اجتماعی می‌گذارد، خود مستقیماً در دوران حوادث سالهای اخیر ایران قرار نداشته است. از این روست که این بار نیز گروهی دیگر از مزدوران به میدان آمده‌اند، تا تاریخ مبارزات مردم ما را تحریف کرده، برای رژیم جنایت پیشه "ولایت فقیه" تاریخ‌سازی کنند.

راديو "صدای جمهوری اسلامی" روز اول بهمن ۱۳۶۷، متن اطلاعیه "مرکز اسناد انقلاب اسلامی" را پخش کرد. "مرکز اسناد انقلاب اسلامی" در این اطلاعیه از "امت ایثارگر" خواست

می‌کنند. همه می‌گویند که باید متحد شد، اما تاکنون هیچ‌کام عملی در این راستا برداشته نشده است. کافی است نگاهی به لیستهای منتشر شده نام زندانیان سیاسی اعدام شده اخیر بیندازیم. در میان کشته شدگان تعلقات سازمانی گوناگون دیده می‌شود. تنها نه توده ایها، که فدائیان، مجاهدین، راه کارگرها و "پیروان بی‌بینه" ۱۶ آذر، اعضای احزاب کرد و غیره در لیست اعدام شدگان قرار دارند. ما تردیدی نداریم که در زندانها، شرایط عینی و ضرورت رعب‌آوری با دشمن مشترک، زندانیان سیاسی کشور را، صرفنظر از اختلاف نگرهای سیاسی، به مبارزه مشترک کشانده و در این نبرد مشترک و نابرابر صدها تن از آنان در چند ماهه اخیر جان باخته‌اند. چرا این اتحاد در بیرون از زندانها و در میان نیروهای مرفقی و انقلابی نباید بوجود بیاید؟ چرا نباید نبرد مشترک ما، در شرایطی که جمعی از فدائوگرایان هر زمانمان را از دست داده‌ایم، در راه دستیابی به آزادیهای دموکراتیک پایه‌ریزی شود؟ امروزه رژیم جنایتکار "ولایت فقیه" در حالی که خود از درون در حال متلاشی شدن است، با استفاده از تفرقه بین نیروها همچنان به حیات ننگین خود ادامه می‌دهد. چرا آریا نه آن است که مهمترین دلیل همان تفرقه‌ای است که سایه منحوس و رابرس جنبش پهن کرده است؟

دیگر بار به دکتر تقی‌ارانی و دیگر شهدای جنبش انقلابی میهنیان درود می‌فرستیم و همه زحمتکشان و پیشاهنگان جنبش را به اتحاد پیرامون هدفهای مشترک بویژه تامین آزادی فرامی‌خوانیم.

تادر "اجرای فرمان حضرت امام خمینی" با ارسال اطلاعات تاریخی درباره حوادث انقلاب بهمین و پیش از آن، رویدادهای کردستان، آذربایجان، گنبد و "شکرگرد گرومک‌ها" آن مرکز را در تدوین "تاریخ انقلاب اسلامی" یاری کنند. عباراتی چون "نامردمی‌های گرومک‌ها" و ... در متن این پیام بیاتر هدفهای واقعی این "تاریخ" نگاران است. خطوط کلی تاریخی که بدست آنان تدوین خواهد شد، از هم اکنون روشن است. می‌خواهند مردم ایران را متهم کنند که گویا هدف مبارزات

تاریخی که قلم همزدان رژیم در صدد تدوین آنند، به عنوان سند رسوایشان در تاریخ ثبت خواهد شد.

چندین و چند ساله آنان چیزی جز رژیم "ولایت فقیه" نبوده و حال که این "تصمت" به آنان ازرانی شده و وظیفه‌ای جز اطاعت از "ولی امر" ندارند. هدفهای غمده رژیم از این عمل عبارت است از:

(۱) به فراموشی سپردن آماج‌های اصلی مبارزه مردم ایران طی سالهای اخیر یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و قرار دادن "حاکمیت اسلام" به جای آن. سران مرتجع جمهوری اسلامی که با خیانت به آرمانهای انقلاب بهمین راه دفاع از منافع غارتگران، زد و بند با امپریالیسم و سرکوب آزادیهای دموکراتیک را در پیش گرفته‌اند، می‌خواهند جوانان، حتی مردمی را که خود در انقلاب بهمین جانفشانی کرده‌اند، متقاعد کنند که آنان هدفی جز "اجرای احکام اسلام" نداشته‌اند.

(۲) وارونه‌سازی حقایق پیرامون نقش احزاب و گروه‌های انقلابی در جریان انقلاب بهمین و پس از آن و بدنام کردن آنان. تردیدی نیست که احزاب، سازمانها و گروه‌های انقلابی ضد رژیم شاه نقش برجستهای در تدارک مادی و معنوی انقلاب بهمین ایفا کردند. هزاران نفر طی سالهای سلطه رژیم

محمدرضا شاه به شهادت رسیدند، زندانی شدند و تبعید گشتند. آنان اعتقادات سیاسی، اجتماعی و فلسفی گوناگونی داشتند. اما آنچه همه آنان را بهم پیوند می‌داد، نفرتشان از امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده شاه و عشق به عدالت و آزادی بود.

(۳) توجیه جنایات مدش رژیم "ولایت فقیه" طی سالهای اخیر. "تاریخ نویسان" رژیم می‌خواهند "اسناد"ی جمع‌آوری کنند تا به کمک آنها سیاه را سفید جلوه دهند. آنچه آنان "اسناد"ی که دستان به خون آلوده حکام جمهوری اسلامی را "پاک" بنمایانند و بر مبارزات حق طلبانه خلقهای ایران مهر توطئه و تخریب زنند.

(۴) معرفی رژیم "ولایت فقیه" به عنوان رژیم مطلوب مردم ایران و بی‌دورنشان دادن مبارزه بر علیه آن.

(۵) جا انداختن سال ۱۳۴۲، به عنوان مبدأ مبارزات حق طلبانه مردم ایران. شاه با اصطلاح "بنیان گذاری شاهنشاهی کوروش" را مبدأ تاریخ ایران قرار داده بود. لازم بود زندگی و آفرینش درخشان مردم ایران پیش از آن به عنوان ماقبل تاریخ قلمداد شود تا منظره دلخواه و باب طبع "اعلیحضرت" ساخته شود. "تاریخ نویسان" جمهوری اسلامی نیز که راه اسلاف خود در رژیم شاهنشاهی را ادامه می‌دهند، سال ۱۳۴۲ را مبدأ مبارزات حق طلبانه مردم ایران قرار داده‌اند. اگر پیش از آن میلیونها ایرانی سالها و سالها مبارزه کرده‌اند و هزاران شهید در این راه داده‌اند، چه پاک همه این مبارزات چون "اسلامی" نبوده‌اند باید فراموش شوند تا این بار نیز "ولی امر" به عنوان ناجی مردم ایران معرفی شود.

ارائه تصویر مخدوش و تحریف شده از تاریخ معاصر میهنمان بخشی از تلاش بیهوده رژیم برای تثبیت حاکمیت خویش است. تردیدی نیست که این تلاش‌ها با شکست روبرو خواهد شد. "تاریخی" که عمل و اثره و اثره رژیم در صدد "تدوین" آنند، به عنوان سند رسوایشان در تاریخ ثبت خواهد شد. این به معنای سکوت در برابر چنین اعمال شروانه‌ای نیست. نباید اجازه داد تا رژیم جوانان و نوباوگان را حتی چند صباحی با زیر تبلیغات خود مسموم کند. تاریخ نگاری امری مجرد نیست، بلکه یکی از صحنه‌های مهم مبارزه طبقاتی میان خلق و دشمنان اوست. باید با سلاح روشنگری به جنگ تاریک اندیشان حاکم بر میهنمان رفت و واقعات مبارزه مردم ایران طی دهه اخیر و از جمله دوران انقلاب را در معرض دید جوانان قرار

ارائه تصویر مخدوش و تحریف شده از تاریخ معاصر میهنمان بخشی از تلاش بیهوده رژیم برای تثبیت حاکمیت خویش است.

داد. ارائه تاریخی واقعی، منصفانه و بیسج کرکه گویای مبارزات زحمتکشان و همه مردم ایران باشد، همچون گذشته از وظایف حیاتی نیروهای انقلابی و شخصیت‌های ترفیخواه است. واقعیت آن است که رجال و جریانهایی که تحت شعارهای عدالت‌جویانه اسلامی پیکار می‌کردند، در کنار معتقدان به سوسیالیسم علمی، ملیون و ... نقش برجستهای در مبارزات استقلال طلبانه و آزادیخواهانه مردم ایران، طی دهه‌های اخیر ایفا کرده‌اند. در زمره اینان روحانیون آزاده‌ای چون شیخ محمد خیابانی‌ها، ملاکاظم خراسانی‌ها، میرزا جمال واعظ‌ها و طالقانی‌ها نیز بوده‌اند که بحق نام نیکشان در تاریخ ایران ثبت شده است. تمام مطلب اینجاست که حاکمان فعلی ایران وارث این مبارزات نیستند، بلکه خائنین به



# لوح شهیدان

"لوح شهیدان" در برگیرنده نام رفقای شهید حزب ماست، به خون خفتگانی از میان رفقای کمیته مرکزی (از جمله ۱۲ تن از دبیران و اعضای اصلی و مشاور هیئت سیاسی)، کادرها و اعضای حزب که پس از یورش خائنانه سران و افسرهای جمهوری اسلامی بازداشت و راهی شکنجه گاهها و سیاهچالها شدند. این رفقایادریز شکنجه های قرون وسطایی جان باختند و با خود سرانه اعدام گردیدند. یادشان جاودان باد!

"راه حزب توده" ایران، راه عدالت و آزادی توده هاست. من این راه را با آغوش باز پذیرفتم و بر شمامست که بپندیشید و همواره راه حزبم را ادامه دهید.  
خوشا بهار پر آیدگان و گلچینان  
نمیب ماست اگر خوشه های خون چیدن"  
از وصیت نامه رفیق ابوالفضل پورحبیب

حجری بهستانی، عباس  
حسن پور شیرازی، ابراهیم  
حسنی پاک، مهدی  
حسین پور، شفیع  
حسین پور تنبیزی، حسن  
حسین خانی، محمد  
حسین زاده\*  
حسین نژاد، محسن  
حیدر زاده، احمد  
خاتمی، محمد\*  
خاضعی، غلامرضا  
خانباهاپور، حسین\*

آتیک، گلی علی  
آذرفر، حسن  
آذرتنگ، سعید

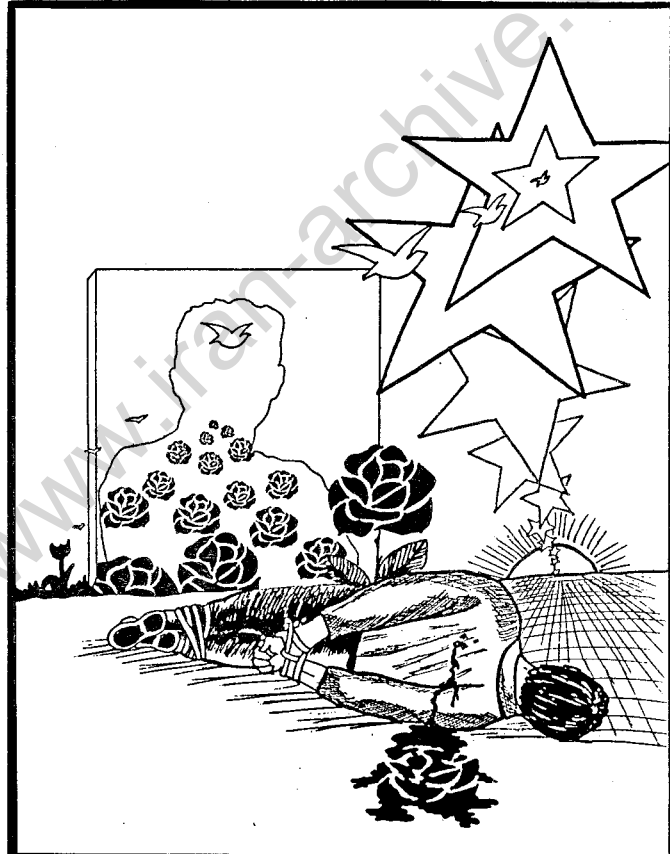
انصاری، صابر  
اویسی، غلامرضا  
بابائی، تیمور\*  
بابا ترکالو، ستار\*  
باباخانی، مرتضی  
باباعلی، جمشید\*  
پارزاده، ابوتراب  
باقری، امیر\*

رفیق سعید آذرتنگ،  
"من به افتخار به روز آرامش و آسودگی رسیدم. برای من گریه نکنید و سیاه نپوشید، زیرا با گردن افراشته ایستاده ام. به پسر گلم بگوئید دوستش دارم و می خواهم فرزند سعید باشد."

آگامی، عبدالحسین  
آوانسیان، کاکیک  
ابراهیمی، انوشیروان

رفیق انوشیروان ابراهیمی،  
"رفقا! ما رفتیم، شما راه ما را ادامه دهید! ما با سر بلندی و غرور و با عشق به حزبم راه مرگ را می روم. من تا آخرین لحظه از آرمانم و حزبم دفاع می کنم."

ابرقویی، خلیل\*  
اخوان اقدم لنگرودی، ناصر  
ادریسیان، احمد\*  
استواری، شاهپور  
اسدی، خسرو\*  
افشاری، ابوالقاسم  
افشاری، بهروز  
افضلی، بهرام  
اکبری کردستانی، کسری  
الماس پور\*  
الماسیان، پرویز\*  
الهی، پرویز\*  
امیر افشار، صالح



"این را بدانید که باز اگر زنده می ماندم در راه مردم قدم می گذاشتم."  
از متن وصیت نامه رفیق فرزاد جهاد

خاتمی، هدایت الله  
حاج ملکی، اسحاق\*  
حاجیان نژاد، لیلی\*  
حاجیان نژاد، مهدی\*

بحرینی، اسماعیل\*  
بهرامی نژاد، ابوالفضل  
بهرامی نژاد، محمد  
بهزادی، سبامک\*  
بهزادی، منوچهر  
بهذکلی، محسن  
پرتوی، محمد علی (بهرام)  
پورحبیب، ابوالفضل  
پورهرمان، محمد  
جاویدفر، جعفر

رفیق صالح امیر افشار،  
"ما از ساطور خونچکان مدافعان سرمایه نخواهیم ترسید و... همچنان استوارانه خواهیم رزمید و درفش پر افتخار حزب را که با خون شسته شده افراشته نگاه خواهیم داشت."

امیری، رسول

"من اکنون با ۹ نفر دیگر شاد و خندان و آواز خوان به طرف شهادت در راه آزادی می رویم... به فرزندانم بگو راه مرا پیش ببرند، راه خوشبختی انسانها... کیوان عزیزم، پسر باز بگوش خوشگلم... راه مرا پیش ببر."  
از متن وصیت نامه رفیق شاهرخ جهانگیری

جلالی، حسن  
جمیلی، اسماعیل\*  
جودت، حسین  
جهاد، فرزاد  
جهان بخش، جهانگیر\*  
جهانگیری، شاهرخ  
چاووشی، ابراهیم\*

خزاشلی، حسین\*  
خطیب، ابوالحسن (رحمت)

"توده های محروم میهن ستم دیده ما وقتی رنگ خوشبختی را خواهند دید که برنامه های حزب در ایران پیاده شود."  
رفیق ابوالحسن خطیب در بهدادگاه "شرع"  
رفیق خطیب در بیجایی به حزب: "نه تنها از راهی که رفتم ام پشیمان نیستم، بلکه به آن ایمان داشته دارم، زیرا این راه، راه خدمت به مردم ستم کشیده ما و راه رهایی زحمتکشان از استثمار است."

خطیبی، احمد\*  
خطیبی، اکبر  
خطیبی، علی اصغر\*  
دادگر، فرزاد  
دادمرزی، فرج الله\*  
دادور، بهرام\*  
دانش، بهرام  
دانش شریعت پناهی، احمد  
داودی، غلام\*  
درویش مخلص آبادی، نصرت الله\*  
دستگیر، مهرداد\*  
دلیچانی، محسن\*  
دلیلی، علیرضا  
دلیلی، محمد رضا  
ذوالقدر، اسماعیل  
راخ، حسین  
رام، عادل

# تابناک باد خاطره شهیدان حزب و جنبش

باید بیگیری و پایداری در پیکار، راه پرورش سجایای اخلاقی و خصائل انسانی و انقلابی را آموخت تا در گام نیاز جان داد، ولی بر سر آرمان ماند و در برابر دشمن زانو نزد.  
درفش پیکار شهیدان بر زمین نمی ماند. راه ناتمام مبارزه\* ارانی و دیگر شهیدان خلق را باید پی گرفت.

چهاردهم بهمن، روز شهیدان حزب و جنبش، روز شهادت دکتر تنقی ارانی، برای ما روز تجدید پیمان برای ادامه\* مبارزه بر ضد امپریالیسم و ارتجاع است. این روز، نه روز سوگواری، که روز گرامیداشت یادها، روز درس آموزی از شهیدان و انگیزه گرفتن برای تشدید مبارزه در راه آرمانهای والای آنانست. باید از شهیدان، راه و رسم زندگی را آموخت.

در این روز مقدس که از شهیدان پاکباز حزب و جنبش باد می کنیم، به بازماندگان، مادران، همسران و خانواده های همه\* آنان صمیمانه درود می فرستیم و به بانگ رسا می گوئیم قلب ما همیشه با عزیزان شما بوده و هست.

رفیق عظیم محقق؛  
"من اشتباه نکرده ام. راهم درست بوده. آگاهانه آن را انتخاب کرده ام و به آن ایمان دارم."

- راوندی، تیمور
- رجائی مند، محمد
- رجالی فر، محمد رضا
- رزمیده، آصف
- رصدی، احمد علی
- رضائیان، رسول
- روزدار، عادل
- روشن زاده\*
- رباحی، اسدالله
- زارع، عزت الله
- زالی، محمد\*
- زرشناس، کبوتر

رفیق کبوتر زرنشاس؛  
"من با آغوش باز مرگ را می پذیرم."



دکتر تنقی ارانی، رهبر و آموزگار بزرگ زحمتکشان ایران؛  
"چریان تاریخ شط روشنی است که به دریای تکامل می ریزد، بگذارید تا در این شط مقدس از قطراتی باشیم که بسوی دریای رود، نه از آنهایی که در لجن کناره، آلوده و گندیده می شود."

- قناعتی، غلامحسین
- قنبری، بهمن
- قندی، ساسان
- کبیری، بیژن
- کبهانی، مرتضی
- کی منش، تقی
- کبهان، مهدی
- لامعی، حسین\*
- لامیجانپان، محمدجواد
- لطفی، خسرو
- محبوب، اصغر
- محقق، عظیم
- محمدزاده، رفعت (اخگر)
- محمدزاده، صابر
- محمدزاده\* گازرگاه، رضا
- محمدی، علیرضا\*
- مرادپور
- مصطفوی، کبیران\*
- معلم، هدایت الله
- منوچهر آبادی، علی اصغر\*
- مؤسس غفاری، حمید

رفیق محمد صالح مؤسس غفاری  
در جواب پرسش بازجویای می دهد؛  
"من توده ای هستم... من شلاق شما را به زانو در خواهم آورد. من به طبقه\* کارگر، به مردم میهنم خدمت کرده ام. شما کور خوانده اید! بزنید! هر چقدر می خواهید مرا بزنید، بازنده خواهید بود."

- مهربان مرجعی، نادر\*
- مهشید، کبیران\*
- میزانی، فرج الله (جوانشیر)
- میثمی لنگرودی، حسن\*
- ناظر، فتح الله
- هوشنگ، ناظمی (امیرنیک آشین)
- نظامی، سید محمد
- وطن خواه، اسماعیل
- وطن خواه، محسن
- هاتقی فرد، رحمان
- هاشمی، ناصر
- هفیدی

رفیق رحمان هاتقی؛  
"راه همان است که من رفتم!"

- عبدل
- عبدی، محمد حسن
- عبدی، محمد حسین (چاربید)
- عطاریان، هوشنگ
- علوی، محسن
- غباشوند، سیف الله
- فانی، عباس\*
- فرامر زپور، حسین\*
- فرجاد آزاد، مهرداد
- فرقانی، موسی
- فرمندهان، عباس\*
- قاسمی نژاد، حسین\*
- قباقلو، علی اصغر
- قدماگامی، حسین
- قربان نژاد، هوشنگ
- قریشی، داود
- قرنچی، حسن
- قلمبر، حسین

- سلامت پور، حسن\*
- سلیمانی گرگانی، مهدی
- شاهسوند، ناصر
- شعبانی، علی\*
- شلتوکی، رضا
- شمسی، رحیم
- شناسائی، علی
- شهبازی ("عبدل")\*
- شهبازی، محمد علی
- شهر ویرانی، مصطفی
- صادقی، بدالله\*
- صالحی، فریبرز
- صدای وطن، جعفر
- صدای وطن، شاهین
- صدیقی چالچیری، محمد
- صراف پور، حسن
- صفوی نیا، حسین
- صلواتی، نادر\*
- صبرقی نژاد، محسن\*
- طاهری، انوشه
- ظفر حیدری، صابر

## راه ارانی، راه ماست، زندگی و رزم ارانی سر مشق ماست!

# جهانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران را محکوم می کنند

## حزب سوسیالیست متحد برلین غربی "بهبانیه" را امضا کرد

"حزب سوسیالیست متحد برلین غربی" در نامه ای به کمیته مرکزی حزب توده ایران امضای خود را به "بهبانیه" احزاب کمونیستی و کارگری دربارۀ فاجعه ملی اعدام زندانیان سیاسی ایران افزوده است (متن این بیانیه در شماره ۲۴۰ "نامه مردم" منتشر شد). در نامه نامبرده همچنین آمده است:

"ما کشتار جمعی کادرهای رهبری حزب توده ایران را بدست رژیم ضد خلقی خمینی به شاصمیمانه تسلیم می گوئیم."

کمونیستهای برلین غربی "در برابر خاطره قربانیان رژیم ضددمکراتیک ایران، که بخاطر آرمان مشترک مبارزه در راه دمکراسی و پیشرفت دستگیر، شکنجه و کشته شدند، سر تعظیم فرود می آورند."

در ادامه نامه "حزب سوسیالیست متحد برلین غربی" می خوانیم:

"ما به شما اطمینان می دهیم، که همه کوشش خویش را برای پیشبرد خواستهای "بهبانیه" (احزاب کمونیستی و کارگری دربارۀ فاجعه ملی اعدام زندانیان سیاسی ایران) و جلب هر چه بیشتر افکار عمومی بکار خواهیم برد.

ما استوار و خستگی ناپذیر در کنار حزب توده ایران خواهیم ایستاد- حزبی، که چنانهازانه علیه دیکتاتوری و سرکوب ددمنشانه نیروهای متفرقی ایران می رزمند.

زنده باد همبستگی بین المللی!"

## اعتصاب غذای خانواده های داغدار

خانواده های زندانیان سیاسی ایران که در شهر سن دنی فرانسه اقامت دارند، به نشانه اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی و محکوم کردن رژیم جنایتکار ج.ا. اعتصاب غذایی را به مدت ۲ روز در این شهر ترتیب دادند. این اقدام اعتراضی خانواده های داغدار، توجه مردم، رسانه های گروهی و بسیاری از احزاب، سازمانها و شخصیت های دمکرات را بخود جلب کرد. در قطعنامه ای که به همین مناسبت تهیه گردید، از "سازمان ملل"، "عفو بین المللی"، "جامعه حقوق بشر" و همه نیروها و شخصیت های پیشرو و انسان دوست و همچنین رولان دوما، وزیر امور خارجه فرانسه، خواسته شده است این جنایات را محکوم و برای توقف فوری سایر اقدامات تلاش کنند.

احزاب و سازمانهای زیر موج کشتار وسیع زندانیان سیاسی در ایران را محکوم کرده اند:

- \* حزب کمونیست فرانسه
- \* کنفدراسیون سراسری کار فرانسه (ث. ژ. ت)
- \* اتحادیه زنان فرانسه
- \* جامعه حقوق بشر
- \* انجمن مسیحی برای لغو آزار و شکنجه
- \* کمیته ملی استقلال و رشد

- \* انجمن زن صلح
- \* اتحادیه های ایالتی ث. ژ. ت. در شمال پادوکاله، لوآر-آتلانتیک، آلپ ماریتیم، ایزر، سن سن دنی، بخش ۹۲
- \* فدراسیون های حزب کمونیست فرانسه در آلپ ماریتیم، ایزر، لوآر، هرو
- \* جامعه دانشجویان عراقی در فرانسه
- \* اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه
- \* کمونیستهای مهاجر شیلیایی
- \* انجمن مهاجران پاراگوئه
- \* حزب کمونیست مارتینیک
- \* حزب کمونیست عراق (فرانسه)
- \* حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش
- \* اتحاد سوسیالیست نیروهای مردمی مراکش
- \* کمیته دفاع از آزادیها و حقوق بشر در فرانسه و در سراسر جهان
- \* آندره لاژوانی، رئیس گروه کمونیستها در مجلس ملی فرانسه
- \* چارلز لدرمن، سناتور کمونیست
- \* روزبه بور، نماینده نیروی کارگران سن دنی

## "فدراسیون سندیکائی جهانی"

### دست جلاد را قطع کنیاد

"فدراسیون سندیکائی جهانی" در روز ۱۲ ژانویه ۱۹۸۹ فراخوانی را زیر عنوان "جان دمکراتهای ایران را نجات دهیم!" منتشر ساخت.

در این بیانیه مطبوعاتی گفته می شود:

"در آستانه سال ۱۹۸۹، هنگامی که سراسر جهان چهلمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر را بزرگ می داشت، رژیم ایران موجی جدید از اعدامها را علیه مبارزان سندیکائی در بند و دیگر زندانیان سیاسی براه انداخت. این کارزار تا کنون هزاران تن قربانی در پی داشته است.

مردم و زحمتکشان جهان! به همبستگی شما برای قطع دستهای جلاد و نجات صدها مبارز دیگر، که خودسرانه به زندان افکنده شده اند، نیاز مبرم است."

فراخوان "فدراسیون سندیکائی جهانی" سپس به دیدار رسمی اخیر هیئت نمایندگی "کمیسسیون ارتباطات سندیکائی زحمتکشان ایران" از مقر این سازمان بین المللی اشاره می کند و سندیکاهای سراسر جهان را فرا می خواند، که "بر همبستگی خویش با زحمتکشان ایران و سازمانهای سندیکائی آنها" بیافزایند و

- \* قطع بیدرتک اعدامها
- \* آزادی فعالان سندیکائی و دیگر زندانیان سیاسی
- \* احترام به حق زندگی و حقوق دمکراتیک زحمتکشان ایران و نمایندگان آنها،
- را خواستار شوند.

## آلبرت رابویا کشتار را محکوم کرد

آلبرتو مورویا، نویسنده سرشناس

ایتالیایی و نوزده تن دیگر از نویسندگان و هنرمندان مشهور جهان با ارسال نامه سرکشاده ای به پترس دکوئیاری، دبیرکل سازمان ملل متحد، از وی خواستند تا مقامات ایران را به قطع فوری اعدامها و شکنجه زندانیان سیاسی و همچنین آزادی همه کسانی که در سیاهچالهای رژیم بسمی بر بند و ادار سازد. در این نامه، که در پاریس انتشار یافت، اعزام یک کمیسیون بی طرف سازمان ملل برای دیدار با زندانیان سیاسی ایران مورد تاکید قرار گرفته است.

## رفقای حزب کمونیست عراق

### در فرانسه به ما می نویسند

#### دوستان و رفقای گرامی!

بخاطر سرکوب جنایتکارانه ای که هم اکنون در ایران بیداد می کند و صدها زندانی سیاسی از نیروهای پیشرو و آزادیخواه ایران را آماج خود قرار داده است، کمونیستهای عراق و هواداران آنها همبستگی قاطع خود را با رفقای ایرانی خویش و با مردم ایران که خواهان صلح و آزادی هستند، ابراز می دارند.

از هنگام برقراری آتش بس میان عراق و ایران، رژیمهای دیکتاتوری در این دو کشور براه انداختن موجی از سرکوب خونین و اختناق، به مقابله با خلقهای خود برخاسته اند. آنها تلاش می کنند مبارزه مردم را در نطفه خفه کنند و از پاسخوئی در برابر ملت های خود بخاطر جنایات نفرت انگیزی که با آغاز و ادامه یک جنگ مخرب و بی معنی در طول ۸ سال متمادی مرتکب شده اند، شانه خالی کنند.

لازم است هر چه زودتر افکار عمومی بین المللی بویژه نیروهای آزادیخواه در سراسر جهان با محکوم کردن این رژیمهای جنایتکار و همچنین با پشتیبانی لازم از نیروهای دمکراتیک که برای برقراری صلح و دمکراسی به مبارزه برخاسته اند، وارد عمل شوند.

## نامه اعتراضی به جفری هاو

### وزیر امور خارجه بریتانیا

یک گروه هفت نفری از نمایندگان پارلمان شامل خانم چون لئور و آقایان اریک هنر، کریس اسمیت، جرمی گورپین، جیمز لاموند، آلن دابرتن و آقای مارک فیشر اعتراض نامه ای به آقای جفری هاو، وزیر امور خارجه و همچنین کاردار سفارت جمهوری اسلامی در لندن ارسال داشتند. در این اعتراض نامه از جمله آمده است:

"ما اعضا پارلمان انزجار خود را از موج نوین اعدام بیش از هزار تن از زندانیان سیاسی ایران اعلام می داریم... در میان اعدام شدگان اسامی رهبران، اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) که بسیاری از آنها در حال گذراندن دوره زندان خود بودند به چشم می خورد."

## قطعنامه اعتراضی علیه اعدامها

### در مجلس عوام بریتانیا

بدنبال ملاقات نماینده "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" با آقای هری کوهن، مسئول کمیسیون امور دفاعی حزب کارگر، وی یک قطعنامه فوری را برای تصویب در پارلمان تهیه دید که به امضا ۴۰ نماینده پارلمان رسیده و در هفته های

## پاهای چوبین دروغ

گردانندگان جنایتکار و وابستگرای جمهوری اسلامی، پس از رسوایی عالمگیر قتل عام زندانیان سیاسی، اینک بیهوده تلاش می‌کنند با سرمبندی "شوهای تازه" تلویزیونی چنین وانمود سازند که گویا در زندانها با زندانیان خوش رفتاری می‌شود و در پرتو همین خوش رفتاری بسیاری از زندانیان سیاسی از آرمانهای خود دست کشیده اند.

چندی پیش، دادستان کل کشور در یکی از سخنرانیهای خود ضمن طرح اراجیف گوناگون مدعی شد که "رفتار اسلامی" در زندانها موجب شده است، عده‌ای از "سران گروهکها" به "دامان اسلام" باز گردند. او این رای یک موفقیت برای دستگاه قضایی جمهوری اسلامی توصیف کرد. البته دادستان کل فرمول "رفتار اسلامی" را یک دقیقتر است. بر فرمول "خوش رفتاری" ترجیح داد. و به راستی هم تفاوت میان "رفتار اسلامی" و "خوش رفتاری" از زمین تا آسمان است.

دادستان کل این سخنان را هنگامی بر زبان آورد که مسئله "کشتار همکاتی و بدون محاکمه و بی دلیل صدها زندانی سیاسی در ایران بر سر زبانهاست، جنایات بی سابقه و وسیعی که هنوز هیچکس بجز خود سران رژیم و از جمله همین آقای دادستان، از ابعاد واقعی آن آگاه نیست.

علی‌الاصول "رفتار اسلامی" شامل حال همه زندانیان سیاسی، از زن و مرد و پیر و جوان می‌شود و کمتر کسی را می‌توان یافت که گذارش به زندانهای رژیم "ولایت فقیه" افتاده باشد و با انواع "رفتارهای اسلامی" مانند زدن چشم بند، جیره روزانه، نازبانیه (به گفته خودشان "حتی الموت") مشت و لگد و انواع نازهای رکیک ناموسی آشنا نشده باشد.

اما بررسی این مطلب که "رفتار اسلامی" تا چه حد موفق بوده است نیازی به کاوش ویژه ندارد. همین واقعیت که خودشان بدستور خمینی همه کسانی را که با "رفتار اسلامی" آشنا شده بودند بی سرو صدا نابود ساختند تا میبادا "اسناد زنده" "بیانگر" رفتار اسلامی" در معرض دید دشمنان اسلام قرار گیرد، برای پی بردن به واقعیت هولناک کافی است.

روحانیون ناکام شده در جیک برای صدور

"انقلاب"، هزاران زندانی سیاسی را که از سالها پیش در زندان بسر می‌برده‌اند و همه "آنان مزه تلخ" رفتار اسلامی" را چشیده بوده‌اند زیر آزمایش‌های سرنوشت‌ساز تازه قرار داده‌اند و با طرح چند پریش "ساده"، تکلیف قطعی آنان را در مراسم "خانه تکانی" تعیین کرده‌اند. انبوه کشته شدگان از همه احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی و وجود گورهای جمعی در شهرهای مختلف کشور ما نشان می‌دهد که اکثریت قاطع زندانیان سیاسی مرگ را به نفی عقاید انسان‌دوستانه و انقلابی خود و گردن نهادن به استبداد حاکم ترجیح داده‌اند.

اما گریه قربانیانی هم زیر فشارهای طاقت فرسای روحی و جسمی و دیدن بدن‌های سوراخ سوراخ و اجساد آویزان هم زنجیران خود بر چوبه دار تاب نیاورده و نوشته‌هایی را که به دستشان داده‌اند در برابر دستگاه تهیه ویدئو خوانده باشند. آبیانشان دادن این ویدئوها در سیمای زشت جمهوری اسلامی می‌تواند کوچکترین ارزشی از نظر تهرئه "جنایتهای رژیم" ولایت فقیه" داشته باشد؟ و آیا وجود همین قربانیان از خود بیخود شده که ضمنا هیچگاه زنده از زندانهای جمهوری اسلامی پا بیرون نمی‌گذارند، گویاترین سند وجود شکنجه و آزار و محکومیت دستگاه قضایی جمهوری اسلامی نیست؟

با قاطعیت می‌توان گفت که حکامی جنایتکارتر و ریاکارتر از سران مرتجع جمهوری اسلامی در دنیای امروز وجود ندارند. اینان همه زندانیان سیاسی را زیر پوشش "رفتار اسلامی" با وحشیانه‌ترین شیوه‌ها شکنجه می‌دهند و هر کس را که زیر شکنجه نمرود محکوم به اعدام می‌کنند و اگر یک قربانی زیر شکنجه توبه کرد، پس از برداشتن فیلم ویدئویی، او را در فرضی مناسب، به بهانه "سرموضه بودن، نماز نخواندن، امتناع از اعدام رفقای خود و غیره" نابود می‌سازند تا هیچگاه نتوانند حقایق را برای مردم فاش کنند.

بیمکان این تبلیغات مفتضح دیگر در مردم ایران که بسیاری از آنان یک یا چند تن از اعضای خانواده خود را در این پیکار سهمگین میان رژیمندگان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی از یک سو و منادیان جهل و جنون و جنایت و جنگ از سوی دیگر از دست داده‌اند هیچگونه تاشیری ندارد. با دروغ نمی‌توان مردم را فریفت زیرا از قدیم گفته‌اند:

با پاهای چوبین دروغ به راه دور نمی‌توان رفت.

## چند سطر از يك نامه:

از این سموم که بر طرف بوستان بگذشت عجب که بوی کلی ماند و رنگ نسترنی رفقای عزیز! با دیدگانی اشکبار و دل‌های خون چکان، از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران پیرامون کشتار جمعی زندانیان سیاسی بمثابه یک فاجعه بزرگ ملی آگاه شدیم. هر چند از مدتی قبل رسانه‌های گروهی غربی جسته و گریخته از وقوع فاجعه‌ای خبر میدادند ولی تصور اینکه رژیم جنایت پیشه ولایت فقیه به این درجه از سفاکی و تبهکاری سقوط کرده باشد دشوار بنظر می‌رسد. گو اینکه استبداد قرون وسطایی، خودسری و بی‌قانونی، ضدیت با آزاد اندیشی و جنایات موخ و باور نکردنی، از ویژگیهای این رژیم پلید و خونخوار است، رژیم جهل و جنون و جنایت که تبهکارانه بهترین گلهای بوستان فرهنگ و تمدن، پیشرفت و تعالی و طلاهداران استقلال و سربلندی ملت ایران را با قساوتی ددمنشان و کم نظیر پریر می‌سازد. افسوس و هزاران افسوس که چنین گورهای تابناکی ناپدید شدند و سرمایه‌های معنوی عظیمی به یغما رفت. دریغ و درد از این فاجعه هولناک که همانند صاعقه‌ای فرود آمد و واژه‌ها قادر نیستند تا دردی بدین جانگدازی را بیان دارند. عمق فاجعه بحدی است که آن را با معیارهای معمولی نمی‌توان سنجید و در مواردی نیز تالماط عاطفی درد روانسوز عمومی را مضاعف می‌گرداند بطوریکه حتی تعادل روحی از دلت می‌رود. با این همه وظیفه حکم می‌کند تا چند سطر درباره رفیق شهید هوشنگ ناظمی نوشته شود تا شاید تکلمه مختصری باشد بر زندگینامه پرافتخار این انسان شریف و دانشمند.

تمام کسانی که این رفیق نازنین را می‌شناسند با و احترام عمیقی دارند بطوریکه با وجود گذشت ۲۵ سال از خروجش از رومانی یاد وی همچنان زنده و جاوید است و با احساساتی فوق العاده محبت آمیز از او صحبت می‌شود.

ابتکارات جالب او بمنظور افشا کردن رژیم شاه بسیار موثر بود. از جمله نشریه "بررسی جرایم ایران" را مدت‌های طولانی بصورت پلی کپی تهیه و در میان رفقای حزبی که دسترسی به مطبوعات ایران نداشتند پخش می‌کرد.

راجح به خصوصیات اخلاقی و رفیق شهید هوشنگ ناظمی مسلما رفقای اطلاعات جامعه‌تری دارند. او در مراحل مختلف فعالیت‌های حزبی شایستگی خود را به ثبوت رسانید.

بدینسان سخن گفتن از هوش، ذکاوت، سرعت انتقال، متانت، فروتنی، عدم تظاهر، حجب ذاتی، پاکدامنی، درستی، مراتب علمی و ایمان خلل ناپذیرش به آرمان‌های حزب و دهها صفات برجسته دیگر این رفیق گرانقدر زاید بنظر می‌رسد، که درست بخاطر چنین ویژگیهای معنوی و اخلاقی احترام و ستایش عموم را بخود جلب کرده بود.

## چهل و سومین سالگرد تأسیس حکومت ملی کردستان

تمام تلاش خود را برای سرکوب این جنبش پیکار بستند. سرانجام، واحدهای ارتش شاهنشاهی در تاریخ ۲۵ آذر ۱۳۲۵ وارد شهر مهاباد شدند و به سرکوب جنبش خلق کرد پرداختند. بدین ترتیب عمر یازده ماهه حکومت ملی کردستان به رهبری قاضی محمد پایان یافت.

خلق کرد، امروز نیز مانند گذشته از بدیهی‌ترین حقوق اجتماعی و ملی محروم است و از اینرو به پیکار دیرینه "خود در راه کسب حقوق ملی همچنان ادامه می‌دهد.

حزب توده ایران، چهل و سومین سالروز پیروزی نهضت ملی خلق کرد را گرامی می‌دارد و نیروهای مترقی خلق کرد را به پیکار مشترک در راه آزادی زحمتکششان و همه خلقهای ایران فرا می‌خواند.

چهل و سه سال پیش در روز ۲۲ بهمن مبارزه خلق کرد در راه دستیابی به حقوق ملی با اعلام تأسیس حکومت ملی کردستان در مهاباد به پیروزی رسید. حکومت ملی کردستان علیرغم عمر کوتاهش به اقدامات مهمی در زمینه پیشرفت اجتماعی و شکوفایی فرهنگ ملی دست زد.

مبارزان کرد خواهان کردستانی خودگردان در چارچوب ایرانی آزاد و آباد بودند. آنان از سیاست دوستی و همبستگی و همکاری خلقهای ایران پیروی می‌کردند.

ارتجاع ایران و حامیان امپریالیست آنها از پیروزی نهضت ملی و دمکراتیک به هراس افتادند و

آتی در مجلس عوام به بحث گذاشته خواهد شد. در این قطعنامه موج نوین اعدام زندانیان سیاسی و از آنجمله اعضا و رهبران حزب توده ایران شدیداً محکوم و تقبیح گردیده است.

## کنفرانس مطبوعاتی

### در پاریس

در جریان برگزاری اجلاس ۱۴۵ کشور علیه استفاده از سلاحهای شیمیایی، روز دهم ژانویه، جامعه بین‌المللی حقوق بشر یک کنفرانس مطبوعاتی تشکیل داد.

در این کنفرانس دانیل ژاکوبی، دبیر جامعه بین‌المللی حقوق بشر اظهار تأسف کرد که در اجلاس یاد شده سازندگان اصلی سلاحهای شیمیایی حضور دارند، اما از ضایندگان کردهای عراق (قربانیان بمب‌های شیمیایی) خبری نیست. سپس نمایندگان سازمان‌های دمکراتیک جهانی و خبرنگارانی که شاهد پیامدهای فاجعه بار بمباران‌های شیمیایی در مناطق کردنشین بوده‌اند سخنانی ایراد کردند.

در این هنگام نماینده هیئت ج.ا. شرکت کننده در اجلاس، برای نشان دادن علاقه رژیم متبوعش به "حقوق بشر" پرسش‌هایی را مطرح ساخت. دانیل ژاکوبی سخنان او را قطع کرد و گفت: ج.ا. که اخیراً هزاران نفر از زندانیان سیاسی را اعدام کرده است، نمی‌تواند در این باره نظر درستی داشته باشد. این رژیم به هیچ وجه متعهد به حقوق بشر نیست.

در ادامه صحبت آقای ژاکوبی، نماینده تشکیلات دمکراتیک زنان ایران، که به دعوت جامعه بین‌المللی حقوق بشر در کنفرانس مطبوعاتی حضور داشت، به سخنرانی پرداخت. وی از جمله گفت:

رژیم جمهوری اسلامی اخیراً هزاران نفر از زندانیان سیاسی را به جوخه اعدام سپرده است. متأسفانه سکوت بین‌المللی موجود سبب شده است که رژیم به اعمال جنایتکارانه خود ادامه دهد. اکنون خطر اعدام جان زنان در بند را هم تهدید می‌کند. نباید گذاشت که رژیم به اعمال جنایتکارانه خود ادامه دهد. رژیم جمهوری اسلامی یکی از اولین نقض‌کنندگان حقوق بشر است. رفسنجانی رئیس مجلس بارها تهدید کرده است که ایران قادر به تولید و استفاده از بمب شیمیایی است. نباید خطر استفاده از بمب شیمیایی توسط این رژیم را از نظر دور داشت و با آن بصورت جدی برخورد نکرد.

پس از پایان کنفرانس مطبوعاتی نماینده تشکیلات دمکراتیک زنان ایران توضیحاتی در رابطه با جنایات اخیر در زندان‌های جمهوری اسلامی برای برخی از حضار داد.

## فراخوان تشکیلات

فشار بر زنان زندانی سیاسی به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش یافته و شکنجه‌های مدرن و قرون وسطایی جسمی و روحی قرار داده‌اند. هدف از اعمال شکنجه‌های غیر انسانی وادار کردن زنان زندانی به نفي اعتقادات خود و لجن‌مال کردن فعالیت‌های دوران مبارزه بی‌امانشان است. جانوران حاکم بر میهن ما می‌خواهند زنان زندانی سیاسی را وادار سازند تا به اصطلاح "اعتراف" کنند که برای به فساد کشاندن دختران و زنان ایران آنان را به تشکل و مبارزه فرامی‌خوانند. اتهامی که حتی با توسل به عوام‌فریبانه‌ترین شیوه‌های رایج در رژیم جمهوری اسلامی نیز نمی‌توانند آنرا به مردم بیاورانند. مقاومت دلاورانه زنان زندانی سیاسی آنان را در آستانه مرگ قرار داده است. اخبار رسیده از درون زندان‌ها حاکی است که خطر اعدام زنان زندانی سیاسی ایران بسیار جدی است.

چرا رژیم چهل و جنایت به چنین خونریزی هولناکی در زندان‌ها دست زده است و آن را ادامه می‌دهد؟

قتل‌عام زندانیان سیاسی، نشانگر توانایی و قدرت کارگزاران رژیم نیست. این اقدام دلیل ضعف و ترس آنان است. امروز که نتایج فاجعه‌آمیز سیاست توسعه‌طلبانه و تجاوزکارانه رژیم در برابر چشمان مردم قرار داده، حال که اقتصاد کشور به مرز ورشکستگی کامل نزدیک می‌شود و بحران اجتماعی و سیاسی، بیکاری، گرانی و ناامنی اوچ می‌گیرد، رژیم ولایت فقیه از ترس اوجگیری جنبش مخالف، تلاش می‌کند تا سر سازمانده جنبش را جدا سازد و با نابود کردن فیزیکی آگاه‌ترین فرزندان خلق در زندان‌ها، مبارزه مردم را از عنصر سازمان‌دهنده و بسیجگر محروم سازد. اما این خیالی بیهوده است. اگر سرکوب و کشتار مبارزه خلق‌ها را مهار می‌کرد، می‌بایست رژیم‌های دیکتاتوری عمر جاودانه می‌داشتند.

زنان ایران!

زنان زندانی سیاسی برای آزادی و سعادت ما و فرزندان ما، از آزادی و خوشبختی خود و کودکان خود گذشته‌اند. آنان برای کودکان ایران نان، مسکن، لباس و مدرسه، برای زنان ایران برابری، برای کارگران مزد عادلانه، برای دهقانان زمین، برای جوانان امکان تحصیل و کار و برای مردم ایران آزادی، صلح و پیشرفت

می‌خواستند و می‌خواهند. آنان به "جرم" این خواست‌های انسانی و مبارزه در راه تحقق آنها در چنگ دیوان خون‌آشام اسیر شده‌اند.

رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد تا روز ۲۲ بهمن، سالگرد انقلاب، مسئله زندانیان سیاسی را برای همیشه "حل" کند. زنان زندانی سیاسی در آستانه مرگ قرار دارند. همین امروز باید برای نجات آنان اقدام کرد. فردا خیلی دیر است!

در این میان وظیفه اعضا و هواداران تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در خارج از کشور بویژه از حساسیت و اهمیت خاصی برخوردار است. بر آنان است که با همه توان خود افکار عمومی جهان را برای نجات جان زنان زندانی سیاسی در ایران به حرکت در آورند. آنان باید به هر شکلی، بویژه ملاقات با شخصیت‌ها و مقامات درجه اول کشوری که در آن اقامت دارند و با ارسال تلگرام و تلکس به مراجع بین‌المللی و روسای کشورها، اقدام فوری آنان را جهت جلوگیری از نابودی زنان زندانی سیاسی ایران خواستار شوند.

وقت تنگ و فرصت کوتاه است! برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران بپاخیزیم!

۴ بهمن ۱۳۶۷

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

### درد بر زندانیان سیاسی

### و رزمندگان راه آزادی طبقه کارگر

### گمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

حساب بانکی ما:

Sweden, Stockholm  
Sparbanken Stockholm  
NO: 040012650  
Dr. John Takman

### کمک‌های مالی رسیده:

۰.۴۰ از پاریس ۶۰۰ فرانک  
۰.۲۰ سلمانی از پاریس ۲۵۰ فرانک  
به یاد رفیق جوانشیر از سوئد ۱۰۰ کرون  
روزبه - از دانمارک ۴۰۰ کرون

برقرار باد "جبهه آزادی و صلح"! سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه"!

NAMEH MARDOM No: 244 31 January 1989

نشانی‌های ۱ - 1. P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden  
پستی ۲ - 2. Dr. W. SILBERMAYR, PF. 398, A-1141 WIEN, ÖSTERREICH

نامه مژگوم